سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

حضور در دوم خرداد واکنشی نبود

گروه سیاسی: بهزاد نبوی عضو ارشد سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در آستانه دوم خرداد، سالروز پیروزی اصلاح‌طلبان و حضور دوباره نیروهای چپگرای دینی در بافت قوه مجریه به تبیین این واقعه در گفت‌وگو با خبرنامه مشارکت پرداخت.

■■■

■ فارغ از تمام برآوردهای اولیه و امکان یا عدم امکان پیروزی در دوم خرداد آیا اصلاً تعریفی از اصلاحات داشتید و می‌دانستید که به طور دقیق قصد انجام چه کاری را دارید؟

خیر، هرگز پیش از دوم خرداد و حتی تا مدتی بعد از پیروزی آقای خاتمی، اسمی از اصلاحات مطرح نبود، هر چند اگر به محتوای شعارهای آقای خاتمی دقت کنید مواردی مانند حاکمیت، توسعه سیاسی، استقرار جامعه مدنی، تاکید بر آزادی‌های سیاسی، مردم‌سالاری و مواردی از این قبیل را می‌بینید که محتوای اصلاح طلبانه داشت. گرچه نامی از اصلاحات مطرح نبود ولی شعارهای اصلاحی اهداف حرکت آن روز بود.

■ شما پیش از دوم خرداد با یکدیگر جلساتی هم داشتید، در آن جلسات آیا این موارد را مطرح می‌کردید؟

ما بعد از ارتحال امام و همچنین پس از استعفای آقای خاتمی از وزارت ارشاد، به طور تقریباً مرتب هر یکی، دو ماه یک دفعه با هم دیدار داشتیم و آقایان خاتمی، کروبی و موسوی خوئینی‌ها و بنده در مورد مسائل مهم و مختلف کشور گفت‌وگو می‌کردیم، البته این صحبت‌ها جنبه غیرتشکیلاتی و غیرحزبی داشت. تا آنجایی که به یاد دارم در یکی از همین جلسات در سال ۷۵ بحث نامزدی آقای خاتمی مطرح شد، اما ایشان سکوت کردند تا جمع مواضع خودش را بیان کند. آن زمان همه ما در یک موضع انفعال قرار داشتیم، چون همه آن جمع طرفدار نامزدی آقای مهندس موسوی بودند، تلاش‌هایی هم برای حضور و نامزدی ایشان در انتخابات ریاست‌جمهوری انجام گرفت، اما مهندس موسوی نپذیرفت و مجموعه دوستان را در یک حالت بلاتکلیفی قرار داد. بعد از آن دغدغه ما این بود که چه باید کرد و چه کسی باید بیاید. در یکی از همین جلسات پیشنهاد شد که خوب است آقای خاتمی نامزد گروه‌های چپ باشد و در نهایت هم این ایده گسترش پیدا کرد و بالاخره به کاندیداتوری آقای خاتمی در انتخابات هفتم ریاست‌جمهوری منتهی شد.

■ با کاندیداتوری ایشان قصد مطرح کردن چه نکته‌ای را داشتید، چون می‌دانید که جناح چپ کلاً انتخابات را از مجلس چهارم، تقریباً در اختیار جناح راست قرار داده بود؟

معلوم است که جناح چپ اسلامی در آن دوره به دنبال چه بود. ما می‌خواستیم در انتخابات ریاست‌جمهوری آن دوره حضور داشته باشیم و مواضعمان را بیان کنیم. خصوصاً که از اول انقلاب تا انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم، هنوز فرصتی برای رقابت میان جناح چپ و راست به شکل واقعی در انتخابات پیش نیامده بود.

بعد از آن شوکی که با نپذیرفتن غافلگیرانه کاندیداتوری از سوی آقای مهندس موسوی برای ما حادث شد، مجموعه مدتی دچار سردرگمی بود تا اینکه بحث آقای خاتمی مطرح شد. البته دیگر نه به این امید که الزاماً آقای خاتمی رای خواهد آورد، بلکه با این تصور که بالاخره طیف چپ باید یک کاندیدای شناخته شده و مشخص داشته باشد و با روش اجماع این کاندیدا را وارد میدان رقابت کند و حرف‌های خود را بزند. تصور هم بر این بود که چپ سه یا چهار میلیون رای به دست می‌آورد.

■ عده‌ای همان زمان معتقد بودند که اصلاح‌طلبان در واکنش به همه‌خواهی رقیب وارد رقابت‌های انتخاباتی شده بودند و خودشان واجد کنش انتخاباتی نبودند.

حرکت ما در انتخابات ریاست‌جمهوری هفتم واکنشی نبود، یعنی این طور نبود که اگر رقیب به دنبال انحصارطلبی نبود ما دیگر کاندیدا معرفی نمی‌کردیم. این تفکر اشتباه است چون به دلایلی که گفتم و با مطرح شدن مرزبندی‌ها، خیلی طبیعی بود که ما باید رقابت می‌کردیم. شاید انحصار قدرت هدف جناح راست بود، اما انگیزه فعال شدن گروه‌های چپ تنها این موضوع نبود. اما پیش از آن هم در انتخابات ادوار قبلی حضور داشتیم و فعالانه شرکت می‌کردیم. اما یک نکته مهم که قبلاً هم گفته‌ام این است که در این انتخابات برای اولین بار تمام گروه‌ها با مرزبندی‌های مشخص وارد صحنه شدند. اولین بار هم بود که تقریباً نمادهای آن سه طیف مطرح شده توسط ما یعنی طیف چپ، چپ جدید و راست مدرن در قبال انحصارطلبی که نگران بودند راست سنتی بخواهد بر کشور حاکم کند وارد رقابت شدند، اگرچه چپ و چپ جدید با هم ائتلافی نداشتند و حتی کاندیداهای متفاوت معرفی کردند اما همگی به این می‌اندیشیدند که در کشور انحصار قدرت ایجاد نشود.

■ حالا هشت سال از دوران اصلاحات گذشته تا چه حد آن خواست تاریخی اصلاح‌طلبان و صحبت‌هایی را که آن زمان مطرح می‌کردند، محقق شده می‌دانید؟

من بلافاصله بعد از دوم خرداد ۷۶ در مصاحبه‌های مختلف گفته‌ام که دوم خرداد آغاز یک حرکت بود و نه پایان حرکت. بعضی‌ها فکر می‌کردند که با پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات هفتم ریاست‌جمهوری، شعارهای اصلاح‌طلبانه آقای خاتمی تحقق پیدا کرده است و یا باید چندماهه تحقق پیدا کند. اما اعتقاد من این بود که با پیروزی دوم خرداد فرصتی ایجاد شد که آقای خاتمی بتواند شعارهای اصلاحی خودش را بیان کند تا در درازمدت و با گذشت زمان این شعارها حاکم شود. بنابراین انتظار و توقع ما از دوم خرداد ۷۶ این نبود که فردای پیروزی، اصلاحات بر کشور حاکم شود بلکه برداشتم این بود که استارت حرکت اصلاحی زده شده است. این نکته را از یاد نبریم که خاتمی با پیروزی در دوم خرداد ۷۶ یک حرکت دشوار و پیچیده با موانع فراوان را آغاز کرد. در این بین چند نکته قابل توجه است. اولاً با ساختار کنونی قانون اساسی اگر بقیه قوا و نهادهایی که در قانون اساسی اختیاراتی دارند حتی نسبت به دولت موضع خنثی هم می‌گرفتند باز هم آقای خاتمی تنها ۱۰ یا ۲۰ درصد اختیارات را برای اداره کشور داشت.

* برگرفته از خبرنامه داخلی حزب مشارکت

حزب اعتماد ملی

مدیران کم‌تجربه عامل بحران

«درایت» و «توانمندی» در اداره کشور به ویژه در روزهای سخت، هنر مردان عرصه سیاست است. فقدان این ویژگی‌ها نزد سکانداران اداره کشور، جامعه و ساختار سیاسی را با «بحران تدبیر» مواجه می‌سازد و مشکلات خطرناکی را گریبانگیر نظام سیاسی می‌کند. تعلل دولت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بهنگام و اصولی پس از آغاز اعتراض‌های مردم آذربایجان به چاپ یک کاریکاتور در روزنامه ایران مصداق بارز ضعف تدبیر و ناتوانی از تحلیل این شرایط است؛ تعللی که در نهایت منجر به اتخاذ تصمیمی پرهزینه و محرومیت خودخواسته دولت از بازوی رسانه‌ای‌اش یعنی روزنامه ایران شد. تصمیم به بازنشستگی تعدادی از اساتید مجرب دانشگاه تهران در ادامه برخی سیاستگزاری‌ها آن هم در شرایط حساسی که کشور نیازمند آرامش و بهره‌گیری از تجارب این اساتید است، یکی دیگر از مصادیق ضعف تدبیر است که موجب بروز ناآرامی‌هایی در کوی دانشگاه شد. افزودن سخنان نایب رئیس مجلس به این سلسله، مبنی بر اینکه نخبگان سیستان و بلوچستان در ناآرامی‌های این منطقه نقش دارند، بی‌آنکه ایشان بدانند چنین سخنانی بدون ارائه مدرک و اطلاعات مستدل و متقن تا چه اندازه تحریک‌آمیز است مصداق دیگری از کم‌تدبیری کسانی است که در مناصب و مسئولیت‌های حساس تصور و برآیندی مناسب از حاصل گفتار و تصمیم‌هایشان ندارند. جمهوری اسلامی طی سالیان گذشته به درستی و به اقتضای شرایط پس از انقلاب به ناچار سکان مدیریتی کشور را دراختیار مدیران کم‌تجربه‌ای قرار داد که با آزمون و خطا، پخته و کارآمد شدند، هر چند که تجربه‌اندوزی به این شیوه هزینه‌های بالایی داشت اما حاصل آن پدید آمدن گروهی از مدیران توانمند بود که در اوج بازدهی به یک‌باره در سطحی وسیع از گردونه نظام مدیریتی کشور کنار گذاشته شدند و بار دیگر پرورش مدیران به شیوه آزمون و خطا از سر گرفته شد. ظاهراً پرداخت هزینه برای پرورش مدیران و حذف آنها به هنگام بهره‌دهی و تکرار این چرخه بدعتی است که در نظام مدیریتی ما به یک رویه تبدیل شده است. در اینکه دشمنان خارجی درصدد لطمه زدن به نظام و کشور هستند شکی نداریم اما به نظر می‌آید پیش از آنکه در پس هر حادثه و رویدادی به دنبال ردی از عوامل بیگانه و نفوذی‌ها باشیم لازم است در واگذاری مناصب و سمت‌های اجرایی و حساس به افرادی که در آزمون «تدبیر» نمره نمی‌گیرند، تجدیدنظر کنیم. بی‌تردید هزینه رفتار و تصمیم این مدیران برای کشور هنگفت و جبران‌ناپذیر خواهد بود. بحران تدبیر را جدی بگیریم.

* برگرفته از سرمقاله ارگان مطبوعاتی اعتماد ملی

مجمع روحانیون مبارز

احترام به جمهور در دیدگاه امام خمینی

ایسنا: یک عضو مجمع روحانیون مبارز با یادآوری اینکه مبنای امام(ره) در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و سقوط رژیم شاه «رای مردم» بود، گفت: «به عقیده من این اقدام نمونه بارز احترام به افکار عمومی و جمهور در دیدگاه امام(ره) است. اما امروز آن جریانی که در زمان حیات امام(ره) اندیشه‌های ایشان را برنمی‌تافت و جرأت بروز و ظهور و نفوذ نداشت - گرچه در همان زمان نیز تلاش‌هایی را انجام می‌داد - با آزادی کامل وارد عرصه شده و تحت پوشش شعارهای اسلامی با عناوین مختلف اندیشه‌های امام(ره) را نفی و سعی می‌کند با رای مردم مقابله کند.» علی‌اکبر محتشمی‌پور ادامه داد: «مثلاً همین شایعه‌ای که توسط برخی جریان‌ها مطرح می‌شود که امام(ره) جمهوریت را بر اساس شرایط آن زمان مطرح کرد و الا از نظر مبنایی آن را قبول نداشتند انکار یکی از بدیهیات است. در گذشته به مجرد اینکه یکی از این جریان‌ها می‌آمدند و با رفتار خود خواهان آن بودند که با مردم و دانشجویان به شیوه قیم‌مآبانه برخورد کنند امام(ره) به صورت جدی با آنها برخورد می‌کرد.» وی تاکید کرد: «این تفکر تا زمانی که امام(ره) حیات داشت کاملاً در انزوا بود و جرات گفتن این حرف‌هایی که امروز مطرح می‌شود وجود نداشت. امام(ره) با مطرح‌کنندگان چنین حرف‌هایی برخورد قاطع می‌کرد این افراد که در انقلاب سهیم نبودند و بعد از انقلاب نیز مسئولیتی به آنها واگذار نشد، تعزیه‌گردان شده‌اند و با رفتار خود آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و کاری می‌کنند که جوانان و دانشجویان ما از اصل اسلام زده شوند.» محتشمی‌پور افزود: «البته همان‌طور که امروز شاهدیم سیل جوانان و دانشجویانی که عاشق امام(ره) بودند و به محض اینکه امام(ره) حرکتی را آغاز می‌کرد با فداکاری می‌آمدند و عمل می‌کردند برای مخالفت با این تفکر که به ظاهر اسلامی است اما در واقع تیشه به ریشه اسلام می‌زند موضع می‌گیرند.» این عضو مجمع روحانیون مبارز یادآور شد: «در این شرایط وظیفه یاران امام(ره) این است که اندیشه امام (ره) را تبیین کنند، متاسفانه برخی یاران امام(ره) در اثر بی‌مهری‌هایی که صورت گرفته کاملاً منفعل شده‌اند درحالی که نباید چنین باشد، همه باید دست به دست هم اندیشه‌های امام(ره) را حفظ کنیم و نگذاریم کسانی که با روش‌های متحجرانه پنجه به صورت امام(ره) می‌زدند داعیه‌دار انقلاب، اسلام و نظام شوند.»

حزب کارگزاران سازندگی

بیکاری نخبگان چه معنایی دارد

نخبگان چه کسانی هستند و بیکاری آنان به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چه معنایی دارد؟ در تقسیم‌بندی‌های رایج جهانی، نیروهای کار در یکی از بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات مشغول کارند. هر چه شمار نیروهای شاغل در بخش کشاورزی بیشتر باشد نشانه عقب‌ماندگی آن کشور و هر چه شمار شاغلان بخش خدمات بیشتر باشد از پیشرفتگی کشور حکایت دارد. صنعت نقطه تعادل و میانگین بین این دو است. فی‌المثل در لوکزامبورگ که پردرآمدترین کشور جهان (از نظر درآمد سرانه) است، ۸۶ درصد جمعیت در بخش خدمات، ۱۳ درصد در بخش صنعت و تنها یک درصد در بخش کشاورزی شاغلند. در آمریکا نیز که یکی از پردرآمدترین کشورهای جهان است ۷۸/۳ درصد جمعیت در بخش خدمات، ۲۰/۷ درصد در بخش صنعت و یک درصد در بخش کشاورزی کار می‌کنند. این نسبت در عربستان سعودی به ترتیب ۶۳، ۲۵ و ۱۲ درصد و در ایران ۴۵، ۲۵ و ۳۰ درصد است. اکنون خبر می‌رسد که بیکاری با پشت سر گذاشتن بخش‌های کشاورزی که عمدتاً نیروهای غیرماهر در آن مشغولند و صنعت که کارکنان آن آمیخته‌ای از کارگران ساده و متخصصان هستند، عبور کرده و به بخش خدمات رسیده که عمده گردانندگان آن از نخبگان و کارکنانش از متخصصان هستند. بخش خدمات در اقتصاد طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که از فکرسازان دانشگاهی تا پزشکان، وکلا، مهندسان، طراحان، معماران، کارشناسان برجسته علوم ارتباطات و در نهایت سیاستمداران و مدیران ارشد اجرایی را دربرمی‌گیرد. معنای اقتصادی این رخداد این است که اقتصاد ایران با کاهش تقاضا برای فکر روبه‌رو شده است. معنای اجتماعی این خبر این است که بیکاری با پشت سر گذاشتن طبقات فرودست و متوسط جامعه به مکان‌های بالای هرم اجتماعی پا گذاشته است و معنای سیاسی آن این است که کشور با شکلی رقیق از انحطاط اقتصادی - اجتماعی مواجه است که اگر در زمانی معقول درمان نشود، لاجرم به انحطاط سیاسی می‌انجامد. درمان سیاسی و اجتماعی این معضل حتماً به زمان زیادی نیاز دارد، اما وجه اقتصادی بیماری تا حدودی روشن است: دولت بزرگ با تعهدات غیرقابل تحقق، حتی اگر در کوتاه‌مدت محبوبیت کسب کند در درازمدت از جاده جدیدی که خود آفریده است، باز خواهد ماند.

■ تحلیلی از دوم خرداد

دوم خرداد ۱۳۷۶ سویه‌ای از آمیزش ناسیونالیسم و اسلامگرایی ایرانی بود. رئیس‌جمهور از میان روحانیان برخاسته و حامیانش آمیخته‌ای از قشرهای گوناگون مذهبی و میهن‌پرست بودند. تفکیک دینداران و میهن‌دوستان به معنای تباین کامل این دو قشر نیست، زیرا این دو در پاره‌ای وجوه چنان همپوشانی دارند که نمی‌توان برایشان دوگانگی قائل شد. مراد این است که گروهی از حامیان سیدمحمد خاتمی، رهایی کشور از تنگناهای آن زمان را مدنظر داشتند و برایشان «ایران» مهمتر از هر چیزی بود، حال آنکه گروه دیگر، دغدغه زدودن زنگارهای سیاسی از دین را داشتند. همنشینی این دو طیف، انتخابات دوم خرداد را رقم زد که با وجود ناکامی در دستیابی به همه هدف‌هایش، هنوز از موضوعات مطرح در صحنه سیاسی ایران است. دوم خرداد به علت ناآزمودگی گروه‌های سیاسی و فراهم نبودن بستر اجتماعی به سرعت رنگ هیجان به خود گرفت و مجالی برای نهادینه کردن سیاست‌ورزی خردمندانه ایجاد نکرد، اما زبان سیاست را در ایران تغییر داد و کاری کرد که ایران، دیگر شد.

* برگرفته از دو سرمقاله ارگان مطبوعاتی کارگزاران

حزب اعتدال و توسعه

به هویت اقوام خدشه وارد نکنید

گروه سیاسی: کانون اقوام حزب اعتدال و توسعه درباره مسائل اخیر آذربایجان بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «مردم غیور و دلاور خطه آذربایجان که در طول پانصد سال اخیر نقش مهمی در وحدت و یکپارچگی ایران عزیز اسلامی داشته‌اند این روزها با درج یک کاریکاتور موهن احساسات پاکشان جریحه‌دار شده است. واقعیت این است در بنیانگذاری ایران نوین که می‌توان سرفصل آن را در دوران صفویه دانست، قوم آذری نقش بسزایی داشته است. علاوه بر این در تحقق انقلاب بزرگ مشروطیت هم این قوم نقش تاریخی خود را ایفا کرده است. به طوری که هیچ‌گاه یاد و خاطره سردار و سالار ملی (ستارخان و باقرخان) و همچنین بزرگانی همچون ثقه‌الاسلام تبریزی و شیخ محمد خیابانی فراموش نخواهند شد. بنابراین بیگانگان چشم طمع به این دیار نداشته باشند که این قوم همیشه نقش محوری در یکپارچگی ایران بزرگ داشته است. با این وجود حوادث اخیر این دیار قابل توجه است و می‌بایست ریشه‌یابی شود. در اینگونه حوادث تدبیر و درایت بیشتر و بیش از گذشته باید به خرج داده شود. اگر در همین حادثه مسئولین مربوطه زودتر و به موقع عمل می‌کردند و با استفاده از تجربیات گذشته در مدیریت بحران‌ها وارد عمل می‌شدند، شاهد حوادث دردناک روزهای گذشته این دیار نبودیم و هیچ‌گونه نیازی به بازداشت و زندانی کردن اصحاب مطبوعات و تعطیل کردن رسانه‌ای جمعی مانند روزنامه سراسری ایران نبود. کانون اقوام اعتدال و توسعه معتقد است بیش از گذشته اصول مترقی قانون اساسی می‌بایست سرلوحه کار مسئولین قرار گیرد. به خصوص رعایت اصل ۱۵ قانون اساسی که در این اصل قید شده «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.» علاوه بر این رعایت اصل ۱۹ قانون اساسی می‌تواند در درازمدت منافع و مصالح کلیه اقوام ایرانی را تامین کند. مطابق این اصل «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» در پایان کانون اقوام حزب اعتدال و توسعه بیش از گذشته از اصحاب مطبوعات می‌خواهد که با رعایت تمامی جوانب مطالب و دیدگاه‌های خود را به تحریر و یا تصویر درآورند تا مبادا هویت اقوام ایران خدشه‌دار شود و با توجه به جایگاه ویژه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و شرایط خاص بین‌المللی به نظر می‌رسد بیش از گذشته موضوع قومیت‌ها در جهت رفع مشکلات و محرومیت‌های مرتبط مورد عنایت ویژه قرار گرفته و به بهترین شکل مدیریت شود و از هرگونه اعمالی که باعث سوءاستفاده دشمنان ایران اسلامی و لطمه زدن به وحدت و همبستگی ملی ایرانیان سرافراز می‌گردد جداً پرهیز شود.»

حزب موتلفه اسلامی

راهکارهای پویایی در حزب موتلفه

گروه سیاسی: شورای مرکزی جدید حزب موتلفه در دوره جدید به‌دنبال پویایی این حزب قدیمی جریان اصولگرا است. نشریه ذکر- ارگان آموزشی، تخصصی حزب موتلفه- در پی این تصمیم با دبیران استان این حزب گفت‌وگو کرد و راهکارهای آنان را جویا شد.

■ تاکید بر آموزش حزبی

سیدموسی بلادیان (دبیر استان خوزستان): چهار محور زیر را برای پویایی هرچه بهتر حزب موتلفه در دوره هشتم پیشنهاد می‌کنم: ۱- نظارت و سرکشی به استان‌ها بیشتر شود. ۲- آموزش بهتر اعضا از طریق ارسال خبرنامه و تحلیل و در نظر داشتن رشد آموزش‌محور. ۳- انعکاس ابتکارات فعالیت‌ها و موفقیت‌های دفاتر حزب به کل مجموعه و حتی در سطح کشور. ۴- تشکیل جلسات شورای مرکزی و دبیران استان‌های حزب در مناطق مختلف کشور به‌صورت چند مرتبه در سال که سبب عطف توجه بیشتر به حزب موتلفه اسلامی در آن مناطق می‌شود.

■ تاکید بر نظارت دفاتر استانی حزب

غلامرضا امیری (دبیر استان بوشهر): در این راستا ارتباط مستمر مرکز با استان‌ها و شهرستان‌ها، همچنین نظارت و سرکشی از دفاتر استان‌ها و برگزاری همایش‌های استانی و کشوری را مفید می‌دانم. ضمن اینکه در دوره جدید تلاش برای جذب هرچه بیشتر جوانان و دانشجویان و توجه بیشتر به مسائل خواهران الزامی است.

■ تاکید بر آسیب‌شناسی حزب

روح‌الله صمدی (دبیر استان زنجان): دریافت مشکلات استان‌ها و رفع و حل آنها، پیگیری دستورالعمل‌های مصوب شورای مرکزی با توجه به پتانسیل‌های استانی و مساعدت جهت عملیاتی شدن آنها از عوامل موثر در افزایش پویایی حزب در دوره جدید خواهد بود.

توجه به آسیب‌شناسی عملکرد حزبی در حوزه‌های مختلف نیز بسیار سازنده خواهد بود.

■ تاکید بر تشکیل گروه‌های کارشناسی

مراد کاظمی (دبیر استان چهارمحال و بختیاری): جهت پویایی بیشتر حزب در دوره آینده موارد زیر را قابل توجه می‌دانم: ۱- تشکیل گروه‌های کارشناسی در زمینه‌های مختلف جهت بررسی مشکلات جامعه و ارائه راهکار کارشناسی و تدوین برنامه جهت اطلاع مردم و ارائه به مسئولان به‌طوری که توانمندی حزب در اداره جامعه محرز گردد و تلقی مردم از موتلفه اسلامی یک حزب سیاسی صرف نباشد. ۲- به‌کارگیری تیم حرفه‌ای و توانمند برای قلم‌زنی و تهیه مطالب نشریه شما به‌منظور پربار کردن و ایجاد جاذبیت در آن. ۳- استفاده از نیروهای جوان و چهره‌های جدید در شورای مرکزی و شورای استان‌ها و جاذبیت نیروهای شاخص و تاثیرگذار کشوری و منطقه‌ای در کنار حفظ و ارتقای نیروهای فعلی. ۴- تعامل با احزاب و گروه‌های خودی و دعوت از افراد موثر و برجسته آنها جهت حضور در جلسات و گردهمایی‌های موتلفه که علاوه بر افزایش ارتباط مثبت به طرح اندیشه‌های جدید منجر می‌شود. ۵- تاکید بر تداوم تشکیل جلسات دوره‌ای دبیران استان‌ها و مراکز استان‌ها. (به‌صورت سه‌ماه یکبار)

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مصباح لیست جداگانه نمی‌دهد

ایلنا: سخنگوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: مصباح یزدی بنایی برای ارائه لیست در انتخابات خبرگان به‌طور جداگانه ندارد اما ممکن است عده‌ای بیایند و خود را به مصباح منتسب کنند و نقش تخریبی یا اثباتی برای برخی کاندیداها داشته باشند که من گمان نمی‌کنم بتوانند بردی در جامعه داشته باشند. سیدمحمد غروی با بیان اینکه جلسه شورای مرکزی هر هفته برای بررسی مصادیق انتخابات خبرگان تشکیل می‌شود و در حال حاضر کارها به خوبی در حال پیشروی است، گفت: قرار نیست به این زودی‌ها لیست نهایی خود را برای انتخابات مجلس خبرگان معرفی کنیم چرا که متاسفانه فضای انتخابات یک فضای تخریبی است و احتمال دارد کاندیداهای ما از سوی عده‌ای تخریب شوند. وی درخصوص دیدار احزاب و گروه‌های اصولگرا با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه با سر و صدا و هیاهو نمی‌توان نتیجه درستی گرفت، گفت: احزاب می‌توانند از قبل برای دیدار با اعضای شورای مرکزی جامعه وقت بگیرند و هر چند در برخی مواقع این دیدارها به‌گونه دیگری در جامعه انعکاس می‌یابد و به صلاح نیست. وی افزود: ممکن است عده‌ای بگویند مثلاً فلان حزب و تشکل سیاسی دیدگاه جامعه را در این دیدار تغییر دادند که باید بگویم ما کار خودمان را دنبال می‌کنیم و احزاب نیز مختارند که از کاندیداهای ما حمایت کنند یا نکنند.

جامعه اسلامی مهندسین

با ائتلاف بزرگ به صحنه می‌آییم

فارس: مرتضی نبوی، هاشمی رفسنجانی را یکی از استوانه‌های انقلاب دانست و گفت: شأن خبرگان رهبری با ریاست جمهوری متفاوت است و نباید به گونه‌ای عمل کرد که در مورد حضور این شخصیت برجسته تردیدی ایجاد شود. قائم مقام جامعه اسلامی مهندسین افزود: امیدوارم این بار آمدن یا نیامدن آقای رفسنجانی مانند انتخابات ریاست جمهوری نشود. وی در مورد چگونگی حضور جامعه اسلامی مهندسین ایران در انتخابات خبرگان و شوراها گفت: این تشکل در همه عرصه‌ها فعال حاضر شده است، ولی در این مرحله به‌دنبال این هستیم که با ائتلاف بزرگتری به صحنه وارد شویم. وی با تاکید بر اینکه هنوز مسئله ائتلاف به‌طور کامل انجام نشده است، نامی از گروه‌های مورد ائتلاف نبرد.

انصار حزب الله

صدها گلایه از رئیس‌جمهور

بالشارات، ستون همولایتی: برادر احمدی‌نژاد سلام! ان شاءالله که احوال شما خوب باشد و ملالی نیست جز دیدار جناب ملک‌الموت که ان شاءالله همین روزها دیدار تازه شود و همولایتی به دیار باقی رهسپار گردد! اما از آنجا که فصل، فصل نامه‌نگاری است و خیلی‌ها در این هوای دل‌انگیز بهاری به خیلی‌های دیگر نامه می‌نویسند؛ لذا همولایتی بد ندید که نامه‌ای به محضر شما بنویسد و چون شما نقدی جدی و به‌درد بخور در مطبوعات ندیده‌اید نقدی از همان جنس که شما دوست دارید تقدیم کند: ۱- قرار نیست رئیس جمهور، متفکر یا اندیشمند فرهنگی باشد که اگر باشد عالی است و اگر نباشد مهم نیست به شرط آنکه یا مشاورانی متفکر داشته باشد و یا در حوزه‌های فرهنگی از اظهارنظر، سخنرانی و طرح دیدگاه اکیداً خودداری کند! (و البته در همه حوزه‌هایی که رئیس جمهور فاقد تخصص و بینش است نیز همین حکم برقرار است! چرا که رئیس جمهور علی‌القاعده باید یک مدیر اجرایی باشد و نه یک متفکر!) ۲- برادر احمدی‌نژاد نیازمند مشاورانی متفکر در حوزه فرهنگ و جامعه است و البته مشاورین فعلی رئیس جمهور اینچنین نیستند. (که حتی شرایط عمومی مشاور را که امام متقین در نامه به مالک اشتر مطرح فرموده‌اند را هم ندارند چه آنکه حضرت، شخصی را به‌عنوان مشاور برای مدیر نظام اسلامی می‌پسندد که در برابر اشتباهات رئیس ساکت نباشد و تخلفات و نواقص را با شجاعت مطرح کند و دیدیم که مشاوران شما در عوض تذکر به شما دسته‌جمعی به ماله‌کشی قضیه پرداخته و تمام سعی‌شان را به کار گرفتند که تصمیم شما را درست قلمداد کرده و مخالفین تصمیم مذکور را له و لورده کنند!) ۳- مدیران فرهنگی منصوب از جانب شما هم به‌گونه‌ای بنیادین باحال ارزیابی می‌شوند! و اسفندیار رحیم‌مشایی گل سرسبد آنها است و آخرین دسته گل ایشان بازسازی مقبره مصدق در احمدآباد به‌عنوان یک میراث فرهنگی است! و بماند سفرهای دور و دراز ایشان به لندن که آدم را بدجور یاد کاهش مخارج غیرضروری دولت و جلوگیری از اسراف در بیت‌المال می‌اندازد! مورد دیگر هم ریاست خبرگزاری جمهوری اسلامی و مدیرمسئول موسسه مطبوعاتی ایران و درگیری آنها با وزیر فعلی ارشاد و قضیه اهانت به هموطنان آذری‌زبان و مابقی قضایاست! (یادمان هست زمان حضور شما در شهرداری هم در امور فرهنگی به نفع بعضی تفکرات انحرافی لنگ می‌زد!) ۴- چند باری فرموده‌اید که مطبوعات حرفی برای گفتن ندارند که رئیس جمهور شنوای حرف‌های آنها باشد و بیشتر مطبوعات در دست مخالفان رئیس جمهور است و جز تخریب و سم‌پاشی و چوب لای چرخ دولت گذاشتن، عملکردی نداشته‌اند و از همین رو تصمیم گرفته‌اید که چشم و گوشتان را بر جمله مطبوعات ببندید و کار خودتان را بکنید! واقعاً برای اینکه دوستداران، همفکران و دلسوزان به شما و دولت شما بتوانند حرف‌ها و نقدهایشان را منتقل کنند چه ساز و کاری در نظر گرفته‌اید؟ مگر ساز و کاری بهتر از مطبوعات متدین سراغ دارید؟ پس چرا بی‌اعتنایی به مطبوعات حزب‌اللهی؟ چشم و گوش را بستن و تخته‌گاز راه خود رفتن که قاطعیت نیست! اگر مومنی بخواهد به شما تذکری بدهد یا شما و دولت شما را از منکری نهی کرده و به معروفی امر کند چه باید بکند؟ آیا راهی برای رساندن تذکرات و نقدهای دلسوزانه و صریح و بی‌تعارف به‌سوی شما بازمانده است؟ آیا معنی محاصره شدن در چنبره اطرافیان احتمالاً پاچه‌خار (متملق سابق!) را می‌دانید؟ آیا دستورالعمل پیامبر اسلام در خصوص نحوه رفتار با متملقان را شنیده‌اید؟ ۵- فأین تذهبون؟ ۶- چندین بار مطرح کرده‌اید که اگر بفهمم استانداری فلان کرده یا وزیری مرتکب بهمان مورد شده، گوشش را کشیده، چوب در آستینش کرده و عزلش خواهم کرد! بد نیست راهنمایی بفرمایید اگر بنده خدایی از مواردی خبر داشته باشد، چگونه و از کجا به سمع و نظر مبارک برساند تا مجازات‌های وعده داده شده عمل شود! نکند چون مجازات‌های فوق تاکنون عملی نشده‌اند باید نتیجه گرفت وزیران و استانداران شما دست از پا خطا نکرده‌اند!! ۷- گفتنی و نوشتنی فراوان است اما وقتی که تنها خواننده این سطور، بروبچ حزب‌اللهی مملکت و البته تعدادی از معاندین و خناسان «شرقی» یا «غربی»اند، دیگر چه فایده از نوشتن؟ اگر ثابت شود که گوش شنوایی هست (که نیست! یعنی تا الان نبوده است!) حامیان اصلی شما و بچه‌های ستادهای شما در سراسر کشور (همان‌هایی که برای رسیدن شما به صندلی ریاست‌جمهوری خودکشی کردند!) صدها و صدها گلایه و تذکر و شکایت برای گفتن دارند! ۸- یک زمانی مرحوم فردوسی سروده بود: «آیا شاه محمود کشورگشای / ز من گر نترسی بترس از خدای!» باقی بقایت و جانی نمانده تا فدای کسی شود!

* برگرفته از ارگان مطبوعاتی انصار حزب‌الله

جمعیت آبادگران جوان

جامعه نمونه اسلامی با محوریت ملت

ابراهیم ادبی*: در انتخابات نهم ریاست جمهوری مردم سرخورده از نفاق در گفتار و عمل مدیران، دل‌نگران امنیت ملی و انقلاب اسلامی و اهداف مقدسش با شرکت ۶۰ میلیونی در دو مرحله، ضمن ناامید کردن دشمنان با تمام شانتاژهای تبلیغات نااهلان، با انتخاب خود به‌طور شفاف روشن کردند که هنوز سعادت و رفاه خود را در پیگیری اهداف انقلاب اسلامی می‌دانند و به زحمات امام خمینی(ره) و خون شهیدان وفادار هستند. آنان ثابت کردند تحلیل‌های انتخابات دوم خرداد سال ۷۶ گروه‌های سیاسی درست نبود و این تحلیل‌ها سوءاستفاده از عدم امکان حضور ملت برای تفسیر رای خود بود و نااهلان که قدرت را قبضه کرده بودند برای رسیدن به اهداف خود فضای جامعه را غیرمتحد و پر از تنش و متفرق می‌خواستند تا در هر برهه‌ای بر اساس منافع خود از جامعه و گروهی خاص بهره‌برداری کنند. مردم ایران در این انتخابات و همچنین انتخابات خرداد ۷۶ ثابت کردند که خواست تاریخی مردم قبل از پیروزی انقلاب و طی سال‌های بعد از انقلاب هیچ فرقی نکرده است بلکه با پیشرفت‌های به‌دست آمده ارتقا یافته است. ملت بزرگ ایران با رای خود از مدیران جدید خواستند که دوره بحران‌های داخلی، عدم شفافیت در اهداف و سازوکارها که باعث تشتت و تفرقه داخلی می‌شود و گرفتاری‌هایی که از عوارض چنین رویه‌ای است را پایان دهند. در یک سال گذشته دولت در عمل تلاش کرده است روح انقلاب اسلامی را مجدداً به کالبد حرکت‌های خرد و کلان کشور بازگرداند. هر چند عادات ۱۷ ساله و رشد بی‌اعتمادی به‌علت عملکردهای گذشته سرعت تحولات را کند می‌کند ولی دولت و شخص رئیس‌جمهور ثابت کرده‌اند که مصمم به ادامه راه و تحقق دولت و مشارکت ۷۰میلیونی هستند تا در چارچوب انقلاب سوم اسلامی با ایجاد همبستگی و مشارکت ملی با محوریت ملت در جهت ساخت جامعه نمونه اسلامی تحقق یابد.

* برگرفته از ارگان اینترنتی آبادگران جوان اسلامی

نهضت آزادی و ملی- مذهبی‌ها

جنبش دوم خرداد مه